

برلین، نیویورک و چند جای دیگر

مروری بر آثار آرنو فیشر به بهانه به نمایش در آمدن آثار این هنرمند در گالری راه ابریشم:

راه ابریشم این روزها آثار یکی از پررنگ‌ترین عکاسان مستند قرن ۲۰ آلمان را بر رو دیوارهای خود دارد. هنرمندی که آثار او را می‌توان در کنار کارهای عکاسان خیابانی دهه ۶۰ آمریکا و اروپا قرار داد. اسنپ‌شات‌هایی سیاه‌وسفید که اغلب یا فیلم‌های سریع و ترکیب‌بندی‌هایی سرسری که در محیط‌های عمومی گرفته شده‌اند. نمایشگاه آثار آرنو فیشر را که توسط دستیار او آندریاس روست کیوریت شده به طور کلی می‌توان به چهار بخش تقسیم‌بندی کرد. این چهار بخش که شامل مجموعه برلین، پرتوها، نیویورک و عکس‌های پولاروید می‌باشد در واقع شمایی است از فعالیت حرفه‌ای این عکاس.

در بخش اول شاهد عکس‌هایی از فیشر هستیم که آلمان را در بین سال‌های بعد از جنگ به نمایش می‌گذارد. عکس‌ها به خوبی نمایانگر وضعیت آلمان به خصوص تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی برلین شرقی و غربی در این دوره است. شاید مجموعه برلین آرنو فیشر از لحاظ استنادی با ارزش‌ترین اثر او به حساب بیاید چرا که به خوبی ویرانی‌های بعد جنگ دوم و تنش و فضای تحمیل شده جنگ سرد بر روی برلین را مقابل چشمان مخاطب قرار می‌دهد. آرنو فیشر شهروند جمهوری دموکراتیک آلمان بوده، ولی در عکس‌های این مجموعه‌اش احتمالاً نگاهی نسبتاً بی‌طرف و مقایسه‌ای بین آلمان غربی و شرقی داشته است. در عکس‌های او از آلمان غربی معمولاً شهروندانی مدرن با ظاهری شیک در کنار ساختمان‌های تازه‌ساخت، ماشین‌های نو و فضای شهری منظم به چشم می‌خورد و در طرف مقابل در برلین شرقی معمولاً شاهد انبوه جمعیت، شهروندانی با ظاهری روستایی یا غیررسمی و ساختمان‌های مخروبه هستیم. البته به نظر می‌رسد که فیشر در انتخاب سوژه‌های خود و بازنمایی تفاوت بین قسمت شرقی و غربی برلین کمی اغراق کرده است، ولی عکس‌هایش یا بهتر بگوییم اسنپ‌شات‌هایش ذهن مخاطب را درگیر خود می‌کند و برگی از تاریخ آلمان را مقابل چشم او ورق می‌زند.

بخش دوم این نمایشگاه به پرتوهای آرنو فیشر از مشاهیر آلمان اختصاص داده شده است. فیشر قبل از این که عکاس شود در لایپزیگ مدرک مجسمه‌سازی گرفته بود. به علاوه که در آلمان شرقی به دلیل ممیزی و سنسور سنگین حزب حاکم روی به عکاسی مد هم آورده بود. احتمالاً همین دو عامل هم فیشر را به ثبت پرتوهای مشاهیر آلمان و جهان ترغیب کرده است. پرتوها از مشاهیر نه چندان معروف در میان عموم و ستاره‌های سینما و موسیقی آلمان پس از جنگ مثل مارلن دایتریش، جولیت گرکو، یهودی منوهین گرفته شده است. این پرتوها فیگورهای شبیه به فیگورهای مجسمه‌سازی دارند که گویا پس زمینه هنری عکاس است. چرا که سوژه‌ها اغلب در حالتی بسیار ساده و با آرامش قرار دارند و در عین صمیمیت فاصله خود را با مخاطب حفظ می‌کنند.

بخش سوم نمایشگاه مربوط به عکس‌های فیشر از نیویورک بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ است. در این فریم‌ها شاهد تصاویری هستیم که در فضای عمومی نیویورک گرفته شده است. هر چند که این عکس‌ها چیزی بیشتر از عکاسی خیابانی آن دوره‌ی آمریکا مثل عکس‌های وینوگراند و فریدلندر را ارائه نمی‌دهد ولی می‌توان تأثیر رابرت فرانک را بر آثارش مشاهده کرد. به تصویر

کشیدن فرهنگ عامه آمریکایی در ترکیب‌بندی‌های نه چندان دقیق و پرتره‌هایی خیابانی در حالت‌های بینابینی از ویژگی‌های مجموعه نیویورک فیشر به حساب می‌آید.

بخش چهارم و آخر این نمایشگاه به یک مجموعه با دغدغه‌های کاملاً شخصی از فیشر اختصاص داده شده است. مجموعه‌ای از عکس‌های کوچک پولاروید از باغ شخصی فیشر و همسرش که با دوربین SX70 گرفته شده است. فیشر از گوشه کنار باغ خود از ابزارها، سنگ‌ها و گیاهان در طول زمان با دوربین پولاروید عکس گرفته است. این عکس‌های تکی و تکثیر ناپذیر که از ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۷ گرفته شده‌اند دغدغه کاملاً شخصی فیشر را نشان می‌دهد. این عکس‌های انحلال و کمرنگ شدن موجودیت اشیا را در طول زمان را بازنمایی می‌کند. جالب اینجاست که در چنینش این عکس‌ها (چه در نمایشگاه و چه در کتاب) ترتیب زمانی رعایت نشده است. کنار هم قرار گرفتن دو عکس از یک مکان با فاصله زمانی نامشخص در واقع تأکید فیشر بر هویت و موجودیت اشیا و مکان را نشان می‌دهد، جایی که فارغ از مؤلفه زمان می‌توان تفکر و مطالعه بیشتری را بر روی اشیای پیرامون تجربه کرد.